

متن پرسش

سلام استاد گرامی: موضوع من این هست که: در این مورد که اعتقادی به نفرین «زبانی» داشته باشم اصلاً چنین نیست. من اما باور دارم اگر خدای ناکرده از کسی ناراحت باشم این خود چیزی هست که نام دیگرش نفرین است. جناب استاد، هم اکنون بشدت دچار عذاب وجدانم که از کسی دلگیرم و به یاد پول یا وسیله ای می افتم که نیاز دارم و کسی از من ضایع کرده و در ردّ امانت کوتاهی کرده و عمداً منو اذیت می کند و هر بار دلگیری ام تازه میشه و دلم میخواد نفسم را حبس کنم تا مبادا یک نفسی از روی رنجوری کشیده باشم. ولی چه کنم، دلم با این برخوردها می شکند! در یک جایی می خواندم که مولانا می گویند: اگر در پی انتقام از دیگران باشیم دچار مکافات خواهیم شد. می بینم که در این حد نیستم که کسی عمداً آزارم بدهد، کسی که به قول خودش شعور اجتماعی دارد و دانشگاه تدریس می کند و من به زحمت بیفتم و بتوانم ناراحت نشوم. آیا اینکه از دانستن عدل خدای دو عالم دلم آرام می گیره و یا اینکه با یاد طرف مقابل نفس در سینه سرد بشود، یا بغض بشکند، این همان چیزی است که مولانا می گوید انتقام؟ چون باور دارم که اخلاقاً هیچ راهی برای انتقام ظاهری نیست و بدترین انتقام این هست که در درگاه حضور الهی از کسی غصه ای در دل بیاوریم. آیا این نوع دلگیری قابل کنترل هست؟ آیا شکستن دل، همان محدود بودن ظرف من است که با صبر و گسترش بزرگواری میشه بجای آن راه حل بهتری برای اصلاح بین طرفین رسید؟ امیدوارم بتوانم از این موضوع برای رشد روحی ام بهره مند گردم و در این جایگاه که هستم توقف نکنم. با عرض پوزش از این همه صحبت مکتوب.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: شاید بتوان گفت آن نحوه انتقام‌گیری که حضرت مولا «علیه‌السلام» به این نحوه باشد که انسان کوچک‌ترین ملکه‌ی گذشت را در خود رشد نداده باشد. ولی این که انسان به جهت ظلمی که به او شده است، ناراحت باشد؛ مشکلی پیش نمی‌آورد، می‌ماند تا آن جا که ممکن است باید با روحیه‌ی گذشت، خود را از این افکار راحت کنیم زیرا «در سینه‌ی پر کینه اسرار نمی‌گنجد». موفق باشید